



نهالی در جمع

هویت اجتماعی دوازدهم

بُعد سیاسی هویت ایران



* **قدرت** ← موجودی است که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد
دارای قدرت است.

* انسان به دلیل این که کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد
← **گُنشگری قدرتمند** است.



* چه کسانی قدرت اجتماعی بیشتری دارند؟

← کسانی که توان تاثیرگذاری بیشتری بر ارادهٔ دیگران دارند.

* علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای «قدرت اجتماعی» هستند.

* مثال برای قدرت اجتماعی ← محمد صلاح - جریمه زدن چینی - سازمان جهاد کشاورزی و ...



* «قدرت اجتماعی» ← بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید، یعنی

دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود عمل کنند.

* تنها راه تاثیرگذاردن بر ارادهٔ دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان

← جلب تبعیت آنهاست.



تبعیت با کراهت ← تبعیتی است که ناشی از **تهدید و ترس** باشد.

مثال: آلمان در زمان صدر اعظمی هیتلر و استالین شوروی

تبعیت با رضایت ← تبعیتی است که با **رضایت و میل درونی** همراه است.

جلب تبعیت

به دو صورت

ممکن است



مقبولیت ← قدرتی که به بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف

مقابل بدست می آید.

اقتدار ← قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی

پذیرفته شده باشد.

قدرت



الکیمیاء
الطبیعیة
الرياضیة
الفلسفہ
الاجتماعیہ
السیاسیہ
التاریخ
الجغرافیہ
الزبان
الادب
العلوم
الطبیعیہ
الکیمیاء

مشروعیت حقیقی ← اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد.

انواع قدرت

مشروعیت دروغین ← اما اگر موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی

مشروع

بشری باشد.

* مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند با هم باشند و می‌توانند از یکدیگر جدا

باشند.



- ① اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد ← قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی.
- ② هنگامی که قدرت بر خلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن روی رضایت باشد، ← قدرتی مقبول ولی غیر مشروع شکل می‌گیرد



* مثال برای قدرت ولی غیر مشروع ← ۱- رئیس علی دلواری ۲- مارتین

لوترکینگ ۳- گاندی = **قدرت مقبول ولی غیر مشروع**

قدرت سخت ← قدرتی است که از طریق: ابزارهای خشن - بارور -
به طور آشکار - توسط نهادهای نظامی اعمال می شود.

- در گذشته، قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی
بر سایر کشورها می شد.

مقایسه

قدرت نرم ← قدرتی است که به: شکل پنهان - از طریق نفوذ فرهنگی - با

کمک ابزارهایی مانند: رسانه ها و نهادهای آموزشی اعمال می شود.



* امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می شود.

در گذشته ← نبرد بین دولت‌ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می گرفت و رسانه‌ها جز آن منتشر می کردند.

امروزه ← نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می گیرد و درگیری نظامی اگر اتفاق بیفتد در ادامه جنگ فرهنگی رخ می دهد.



* سلبریتی ← ستاره‌های هنری، ورزشی و ... از جمله کنشگران فردی هستند

که در برخی موارد می‌توانند جریان ساز شوند.

* هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود ← بیشتر مورد رضایت و

پذیرش قرار می‌گیرد؛ جامعه‌شناسان از این نوع سلطه به «هژمونی» تعبیر می‌کنند.



* سلطه «هژمونیک» ← از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی مانند: هنر و رسانه برای

← (۱) مهندسی رضایت عمومی و (۲) توجیه برتری جویی خود استفاده می‌کنند.

(= مثال: آمریکایی‌ها و جریان اسلام‌هراسی توسط آنها)

مثال: ادوارد اسنودن که اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از برنامه‌های سری سیا را فاش

کرد.



سلبریتی ← ستاره‌ها سلبریتی شدن خود را مدیون رسانه‌ها هستند.

رسانه ← نیز از طریق آن‌ها درآمد زایی می‌کنند.

* «سیاست» ← هر گاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید.

- زیرا سیاست ← اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است.



- معنای عام سیاست ← شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

* «نظام سیاسی» ← مجموعه ساز و کارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه

وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

* تاثیرات نظام فرهنگی بر نظام سیاسی? ←

نظام فرهنگی، عقاید، ارزش‌ها، و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می‌کند:



۱) اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، ←
نظام فرهنگی مقبولیت دارد.

۲) اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی یا تحت تاثیر و فشار عوامل خارجی از
اصول و ارزش‌های فرهنگی عبور کند، نظام فرهنگی ← مقبولیت نظام سیاسی

را گاهی می‌دهد. = کاهش



* تأثیرات نظام سیاسی بر نظام فرهنگی:

(۱) نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از

مدیریت سیاسی خود به ← بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند.

(۲) و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه دور شود زمینه ← بحران‌های فرهنگی و

هویت را فراهم می‌سازد.



* نظام‌های سیاسی را می‌توان بر اساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی

دسته‌بندی کرد:

الف) بر اساس تعداد افراد تاثیرگذار و تصمیم‌گیرنده:

فرد - اقلیت - اکثریت

اهداف و اغراض و امیال حاکم

ب) بر اساس روش تصمیم‌گیری

بر اساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین

اعقلی



* نظام‌های سیاسی را می‌توان بر اساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی

دسته‌بندی کرد:

احکام و قوانین الهی = معنوی
آرمان‌های دنیوی و این جهانی = دنیوی
و سکولار

(ج) بر اساس دین‌مداری و دنیا‌مداری



* طبقه بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها

بر اساس خواست و میل	بر اساس حقیقت و فضیلت	روش حکومت تعداد حاکمان
استبدادی	موناشرشی	۱- فرد
الیگارششی	آریستوکراسی	۲- اقلیت
دموکراسی	جمهوری	۳- اکثریت



فصل ۲
۲۰۲۱/۲۰۲۰
الجزئیة

* طبقه‌بندی فارابی از انواع حکومت = فطری

مدینه فاضله ← جامعه‌ای که بر اساس قوانین الهی شکل می‌گیرد.

جوامع جاهله ← جوامعی را که آرمانها و ارزش‌هایشان الهی و عقلانی نباشد.



فلسفه
تاریخ
ریاضیات
فیزیک
شیمی
بیولوژی
علوم
ادبیات
تربیت
عربی

* طبقه بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها

جمهوری اسلامی	لیبرال - دموکراسی
<ul style="list-style-type: none"> - جمهوری اسلامی یا ← مردم سالاری دینی - «عنوان جمهوری» ← در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور موثر مردم - «کلمه اسلامی» ← نشاندهنده این است که فعالیت‌ها بر اساس و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کنند. 	<ul style="list-style-type: none"> - لیبرالیسم ← مباح دانستن همه امور برای انسان‌ها - دموکراسی ← حاکمیت مردم - لیبرال دموکراسی ← نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد. - حکومت دنیوی و این جهانی است. - رویکرد دنیوی به عالم هستی دارد.





نهال
بنیاد
جمع



پیشرفت، یعنی موفقیت